

مهربانی چه رنگی دارد؟

نقدی روان‌شناسانه بر کتاب *زرد خجالتی*

● محمدرضا مرزوقی

نویسنده و منتقد

چکیده

در این مقاله، داستان *زرد خجالتی* با تأکید بر مفهوم رنگ‌ها بررسی شده است. همچنین نمادهای داستان از جنبه روان‌شناسانه تحلیل شده، پیام‌های داستان استخراج و معرفی شده‌اند.

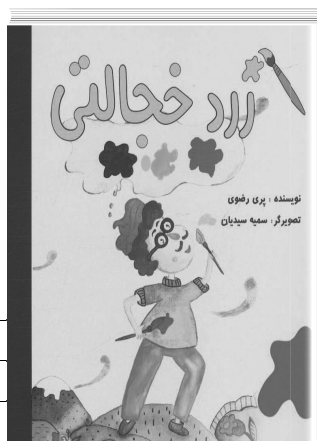
کلیدواژه‌ها

شناخت، آگاهی، رنگ‌ها، روان‌شناختی، اندازه‌ها، عشق، مهربانی، دنیای کودکان

مقدمه

رنگ‌ها فارغ از مفاهیم روان‌شناسی که در ذات خود دارند، هر کدام از میزان مشخصی انرژی برخوردارند که می‌توانند محیط اطراف خود را تحت‌الشعاع قرار دهند. به همین دلیل است که در زندگی امروز ما رنگ‌ها هر کدام از کاربرد خاصی برخوردارند و می‌توانند در جایگاه خود اثرگذاری و کارکرد ویژه‌ی خود را دارا باشند. مثلاً در فضای بیمارستان از رنگ‌های امیدبخشی مثل زرد و آبی استفاده می‌شود؛ بسته به این که بخش کودکان باشد یا نه. اگر محیط کودکان باشد گاه به آن رنگارنگی بیشتری نیز اضافه می‌کنند، یا مثلاً سالن‌های آپرا و تئاتر غالباً به رنگ‌های قرمز تیره و همچنین گاه آبی تیره هستند. رنگ‌هایی که خودبه‌خود از تو طلب می‌کنند تا در سکوت و احترام به تماشا بنشینند. حتی حکومت‌ها و دول سیاسی نیز در ادوار مختلف تاریخی رنگ‌های مختص به خود را داشته‌اند. مثلاً مردم فرانسه قبل از انقلاب کبیر و بعد از انقلاب کبیر کاملاً رنگ‌های متفاوتی می‌پوشیده‌اند. پس می‌توان گفت رنگ نه‌تنها در ایجاد حال‌وهوا و فضا که در مشخص کردن ادوار مختلف تاریخی نیز بی‌تأثیر نیست.

هر رنگی فرهنگ و حس خودش را دارد؛ پس باید رنگ‌ها را بشناسیم تا بتوانیم



رضوی، پری. (۱۳۹۶). زرد خجالتی، تهران: نشر
مهرافرید، ۱۰۰۰ نسخه، قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان، قطع
شومیز، شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۵۶-۸۳-۰

با انسان‌های پیرامون خود ارتباط بهتری برقرار کنیم و از وجود آن‌ها استفاده کنیم؛ روان‌شناسی رنگ‌ها دقیقاً به این مسئله اشاره دارد.

به‌عبارتی با روان‌شناسی رنگ‌ها، فرد می‌تواند وضعیت روحی و ضمیر ناخودآگاه خود بهتر را بشناسد و در خلق آثار نوشتاری و دیداری علاوه بر این‌که مخاطب را جذب اثر کند، اطلاعاتی را در این‌باره به‌صورت هنرمندانه به آن‌ها برساند و حتی این شناخت گاهی خودبه‌خود باعث خلق اثر هنری شود. از آنجایی که شناخت به‌دنبال خود آگاهی می‌آورد، به جرأت می‌توان گفت شناخت به‌دنبال خود آفرینش هم می‌آورد که موجبات سرگرمی و جذب مخاطب شود.

خلاصه

ماجرای تنهایی و دوری سه رنگ اصلی شروع می‌شود. بالاخره «رنگ‌زرد» با حس درونی ناخودآگاه خود به‌سمت دورنگ دیگر سرازیر می‌شود و این‌ها در مواجهه با یکدیگر دنیای دیگر رنگ‌ها را تشکیل می‌دهند و با به دنیا آمدن هر رنگی اتفاقاتی در داستان می‌افتد که به یک‌بار خواندنش می‌ارزد.

نگاهی بر قصه زرد خجالتی

اما کاری که پری رضوی در داستان کودکانه «زرد خجالتی» با رنگ‌ها انجام داده، گامی فراتر از این‌ها بوده است. نویسندگان با شناختی که از روان‌شناسی و کارکرد رنگ‌ها داشته، «رنگ زرد» را برای یک داستان کودکانه انتخاب می‌کند؛ زرد سرشار از انرژی و پویایی است. در داستان زرد خجالتی نیز اولین قدم را «رنگ زرد» برمی‌دارد. با این‌که این قدم را از سر خجالت برمی‌دارد و آب می‌شود و در رنگ آبی و قرمز نفوذ می‌کند، اما هر چه هست سرانجام می‌تواند در این تکرنگی یک طیف رنگی ایجاد کند که به جهان بوم

نقاش داستانش تنوع می‌بخشد.

اقدام درست رضوی در انتخاب «رنگ‌زرد» فارغ‌کردن شخصیت‌هایش از بار جنسیتی است. اگر قرمز را انتخاب می‌کرد یا آبی را، خودبه‌خود نشانه‌های جنسیتی با خود داشت. اما زرد در این میان فارغ از الگوهای جنسیتی به‌دنبال راهی برای ارتباط و دوستی است. دوستی و رابطه‌ای که در هماهنگی و هارمونی معنا پیدا می‌کند.

ابتدا باید به انتخاب این رنگ‌ها و نقش‌مایه‌ای که نویسنده برای هر کدام در نظر گرفته پردازیم. فارغ از این که این سه‌رنگ، رنگ‌های اصلی دایره رنگ محسوب می‌شوند.

رنگ زرد، رنگ آفتابی و شادی است که جلب توجه می‌کند. زرد، رنگی خوش‌بینانه به حساب می‌آید. رنگی که اگر زیاد مورد استفاده قرار گیرد، می‌تواند مقهورکننده و تأثیرگذار باشد. همچنین گفته‌شده که رنگ زرد تمرکز را افزایش می‌دهد، به همین دلیل برای دفترچه‌های حقوقی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

آبی، رنگ آسمان و اقیانوس و یکی از پرطرفدارترین رنگ‌هاست. آبی، رنگ صلح و آرامش است و سبب می‌شود بدن انسان در مجاورت آن مواد شیمیایی آرامش‌بخش تولید کند، به همین دلیل اغلب در اتاق خواب از این رنگ استفاده می‌شود. البته رنگ آبی می‌تواند سرد و مأیوس‌کننده هم باشد. مشاوران مُد و لباس همواره توصیه می‌کنند در مصاحبه‌های شغلی رنگ آبی بپوشید؛ چون رنگ آبی نشان‌دهنده وفاداری است. آدم‌ها در اتاق‌های آبی فعال‌تر هستند.

قرمز، پرشورترین رنگ در دایره رنگ‌ها است. رنگ قرمز باعث تسریع ضربان قلب می‌شود. همچنین قرمز رنگ عشق است؛ رنگی است که بسیار جلب توجه می‌کند و کسی که قرمز می‌پوشد تلاش دارد تا ملیح‌تر و زیباتر به چشم آید. طبعاً این تلاش، ناخودآگاه اتفاق می‌افتد، اما گاهی فرد چنان به تأثیر رنگ بر دیگران واقف است که انتخابی کاملاً خودآگاهانه صورت می‌دهد. معمولاً رنگ قرمز در دکوراسیون برای تأکید مورد استفاده قرار می‌گیرد. دکوراتورها عقیده دارند که مبلمان قرمز در دکوراسیون منزل یا دفتر کار می‌تواند تأثیر شگفت‌انگیز بر کسانی بگذارد که به آن منزل یا دفتر کار می‌آیند.

در هنردرمانی، رنگ‌ها ارتباطی مستقیم با احساسات فرد دارند. این کاری است که ماکس لوشر تلاش کرده در کتاب روان‌شناسی رنگ‌هایش انجام دهد و با انجام تست‌های دقیقی که با صورت‌بندی رنگ‌ها انجام می‌دهد، با انتخاب رنگ‌هایی که فرد در دو انتخاب به فاصله یک‌دقیقه براساس اولویت‌بندی‌اش انجام می‌دهد، به شخصیت‌شناسی و اوضاع و احوال روحی و فیزیولوژی او پی‌برد. طبعاً این تست نیز مثل انواع تست‌های روان‌شناسی از درصدی ضریب خطا برخوردار است. اما گاهی می‌تواند نتایجش برای خود شخصی که تست را انجام می‌دهد، حیرت‌انگیز باشد و دقیقاً روحیات آن دوره از زندگی‌اش را برایش بازگو کند و از خواسته‌هایی بگوید که در درونش سرکوب‌شده، ولی حالا دارد رخی نشان می‌دهد.

درواقع این رنگ‌ها هستند که در ارتباط با احساس فرد روی وضعیت جسمی و ذهنی او تأثیر می‌گذارند.

همان‌طور که تحقیقات نشان داده کسانی که به‌دنبال رنگ قرمز هستند به‌نوعی دنبال هیجان و بالابردن سطح آدرنالین در خون خود هستند و می‌توان به عکس آن نیز فکر کرد، این که انتخاب رنگ قرمز می‌تواند در فردی که تمام هیجانات درونی‌اش فروکش کرده، تأثیری مثبت بگذارد.

یک مسئله مهم در رابطه با اثرات روانی رنگ‌ها این است که آن‌ها را به دودسته تقسیم می‌کنیم:

رنگ‌های گرم و رنگ‌های سرد.

رنگ‌های گرم مثل قرمز، زرد و نارنجی، باعث ایجاد احساساتی چون آسایش و خصوصیت و عصبانیت می‌شود.

رنگ‌های سرد مثل سبز، آبی و بنفش احساس آرامش و به همان اندازه احساس غم و ناراحتی ایجاد می‌کند.

نظریات زیادی درباره تأثیر رنگ‌ها بر شخصیت افراد و بالعکس، انتخاب رنگ توسط اشخاصی با روحیات متفاوت وجود دارد. این موضوع حتی در انتخاب رنگ پرچم‌ها نیز بی‌تأثیر نبوده‌است و مثلاً مردمی که رنگ آبی، قرمز، زرد یا ... برای پرچم خود انتخاب کرده‌اند نه تنها به‌دنبال نشان دادن نمادی از خود و سرزمین‌شان هستند که شاید به‌شکلی ناخودآگاه نشانه‌هایی از روحیات جمعی خود را نیز در این انتخاب رنگ به دیگر ملل جهان نشان می‌دهند.

در این میان نباید از پرچم‌هایی با طیف‌ها و رنگ‌های گوناگون غافل ماند که هر رنگ، خود نمادی از روحیات و خاستگاه‌ها و البته خواسته‌های مردم آن کشور می‌باشد. به‌نظر می‌رسد رضوی با در نظر گرفتن چنین خصوصیت‌هایی برای رنگ‌هایی که در این داستان نقش‌های اصلی را برعهده دارند، به هر کدام نقش و وظیفه و کارکردی در داستان خود داده‌است. البته حسن کار او در این است که همیشه بر روال آنچه معمول بوده و در مورد این رنگ‌ها گفته‌شده، پیش نرفته‌است؛ بلکه از قدرت خلاقه خود بهره‌برده و نقشی تازه با مفهوم و درکی تازه به رنگ‌های خود داده‌است. رنگ زرد که تا پیش از این در تصور عوام نشانه نفرت بود، در این جا با همه‌ی خجالتی‌بودنش به‌دنبال ارتباط با رنگ‌های دیگر است. اما از فرط خجالت آب می‌شود و همین اتفاق به‌ظاهر غم‌انگیز به نتیجه‌ای شادای بخش و امیدآفرین منتهی می‌شود. رنگ زرد که آب‌شده با رنگ‌های آبی و قرمز ترکیب می‌شود و از این ترکیب رنگ‌های سبز و نارنجی به‌وجود می‌آید.

رنگ سبز که نماد زندگی و حیات است و رنگ نارنجی که نماد شادی و سرخوشی و عیش و نشاط است. آنچه که جهان امروز ما و کودکان امروز این جهان پر از جنگ و فقر و مصیبت، بسیار به آن نیازمند است. کاش جهان ما نیز می‌توانست الگوی بزرگتری از بوم این نقاش خوش‌قریحه باشد. نقاشی که آن قدر خوش‌شانس است که رنگ‌هایش

خود با هم ترکیب می‌شوند، زندگی را شکل داده و جهان را می‌سازند. رضوی با یک بوم ساده، پیراهن ارغوانی برای دخترکی سه‌ساله؛ از صورتی، شکوفه‌های گیلاس و از نارنجی شعله‌ی آتش می‌سازد و به همین ترتیب جلو می‌رود تا از ترکیب و دوستی رنگ‌ها با هم جنگل بیافریند، کوه بسازد و حیوانات و سایر جانداران را خلق کند. درست همان کاری که نقاش روی بوم نقاشی‌اش انجام می‌دهد، اما بوم نقاشی رضوی جهانی است به وسعت خیال.

فصلنامه نقد کتاب

نور و نور

سال پنجم، شماره ۱۸
تابستان ۱۳۹۷

۳۳

نتیجه

بنابراین رنگ‌ها در زندگی، شخصیت و روحیه‌ی افراد، تأثیر بسیار دارند. توجه به رنگ‌هایی که افراد انتخاب می‌کنند ما را به سمت شناخت روحیه‌ی آن‌ها راهنمایی می‌کند. در این زمینه تست‌های رنگ بسیاری در روان‌شناسی وجود دارد که به نظر تست ترکیب رنگی، نتیجه دقیق‌تری به دنبال دارد.

یادمان باشد ما به‌عنوان انسان علاقه‌ی خاصی به رنگ‌ها داریم. هر کدام هم رنگ‌های مورد علاقه‌ی خود را داریم. بنابراین در محیطی که رنگ وجود نداشته باشد واکنش‌هایی چندان درخور توجه و جالبی از خود نشان نمی‌دهیم. شاید چنین باید در نظر گرفت که به‌طور کلی رنگ‌ها در تمام احوال و زمان‌ها همنشین زندگی روحی و روانی انسان بوده‌اند؛ از این روست که انسان می‌کوشد تا اسرار و رموز آن را بشناسد و در زندگی خود آن‌ها را به کار ببرد و منبع الهام‌شان کند؛ الهامی که سرآغازش از دل طبیعت است.

جمع بندی

در کتاب زرد خجالتی علاوه‌بر این که خواننده یک‌سری اطلاعات و آگاهی‌ها درباره ترکیب رنگ پیدا می‌کند، حسی زیر پوستی هم به او دست می‌دهد که تا حدی کودک را معلق و ذهنش را درگیر با این پرسش می‌کند که چه چیزی باعث می‌شود تا دنیا با آن تکمیل شود؟ پاسخ به این پرسش در نوع خود جالب است؛ مهربانی! واژه‌ای که انسان امروزی سخت به آن نیازمند است و از گمشدگان عصر حاضر محسوب می‌شود.

منابع

لوچر، ماکس (۱۳۷۳)، روانشناسی رنگ‌ها، ترجمه منیرو روانی‌پور، تهران: نشر آفرینش.
خوزه ماریا، پارامون (۱۳۷۱)، ترکیب رنگ، ترجمه قاسم روبین، تهران: بهار.
ایتن، جوهانز (۱۳۹۶)، رنگ، ترجمه دکتر محمدحسین حلیمی، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.